

اروپا در نقش احمق های مفید برای آمریکا

باید که آمریکایی ها و اروپایی ها را وادار به صحبت در مورد ساختارهای نواح امنیتی موجود در خاورمیانه بشانید...



باید آنگاه کرد که آنگاه مجدداً پروش های هسته ای توسط ایران به معنای تقاضی قرارداد مع سلاح های اتمی نیست. تنها این پروش مطرح می شود که چرا درست در این شرایط این اقدام صورت می گیرد؟

برای آن که رئیس جمهور در داخل تحت فشار است، تحت فشار بیش از ۲۰۰۰ تن از محققان و مهندسانی که در این پروژه مشغول به کارند و در انتظار از سرگیری دوباره کار خود هستند و تصور می کنند که این کار درست است. احمدی نژاد تحت فشار هواداران خود هم قرار دارد، افرادی که به آنها قول داده بود اجازه ندهد کسی ما را تحقیر کند و از ما بخواند برخلاف حق ما در فنی سازی ایزانیم آن را تعطیل کنیم. انگار است که برای پیشو این سیاست نمی توان همواره تنها در حد حرف باقی ماند، پس از آماده سازی شرایطی که برای مشورت دادند به این سیاست در ایران لایم بود، اکنون زمانی است که باید گام های عملی برداشته شوند.

این منطق سفاکی برای پرزیدنت حامی به همان میزان صادق بود که برای پرزیدنت احمدی نژاد. درست است، منتها در این موقعیت که اروپایی ها چیزی بر طیف علائق امنیتی ایران برای عرضه ندارند، احمدی نژاد خود را ملزم می بیند دست به اقدامی عملی بزند.

ما بخواند برخلاف حق ما در فنی سازی ایزانیم آن را تعطیل کنیم. انگار است که برای پیشو این سیاست نمی توان همواره تنها در حد حرف باقی ماند، پس از آماده سازی شرایطی که برای مشورت دادند به این سیاست در ایران لایم بود، اکنون زمانی است که باید گام های عملی برداشته شوند.

این منطق سفاکی برای پرزیدنت حامی به همان میزان صادق بود که برای پرزیدنت احمدی نژاد. درست است، منتها در این موقعیت که اروپایی ها چیزی بر طیف علائق امنیتی ایران برای عرضه ندارند، احمدی نژاد خود را ملزم می بیند دست به اقدامی عملی بزند.

این منطق سفاکی برای پرزیدنت حامی به همان میزان صادق بود که برای پرزیدنت احمدی نژاد. درست است، منتها در این موقعیت که اروپایی ها چیزی بر طیف علائق امنیتی ایران برای عرضه ندارند، احمدی نژاد خود را ملزم می بیند دست به اقدامی عملی بزند.

این منطق سفاکی برای پرزیدنت حامی به همان میزان صادق بود که برای پرزیدنت احمدی نژاد. درست است، منتها در این موقعیت که اروپایی ها چیزی بر طیف علائق امنیتی ایران برای عرضه ندارند، احمدی نژاد خود را ملزم می بیند دست به اقدامی عملی بزند.

اکتوز کوفی عنان خیلی متعادل موضع گرفته و خواست افاده مذاکرات با تهران است. آیا آن است در سوی دیگر بار دیگر فرانسه، آلمان و بریتانیا این امر در صورتی مفید و موثر واقع می شود که جامعه اروپا بالاخر متوجه این موضوع شود که نباید سیاست خود را بر پایه ستابوری عهدیهات آمریکا برای تحریم علیه ایران و حتی پیشبرد جنگ شکل دهد.

چنانچه اروپایی ها بر موضع کوفی عنان خود بمانند، در بهترین حالت تلاش های کوفی عنان قادرند تنها شدت گیری روند اختلالات را بدون هیچ راه حل مشخصی، به تاخیر اندازند.

مستحق ارجاع به خود و حمایت و رضایت سازمان ملل این است که خوبه خود را در موضع اضعاف و اضعاف طوری بالا می گیرد که می تواند به حمله نظامی منجر شود؟ این موضوع حتی طرح ریزی شده است. مدت یک سال و نیم است که تاکتیک آمریکایی ها بر این اساس جریان دارد که همسوارهای اروپایی خود را به صحنه دیپلماسی بکشانند، ولی خود در برابر تهران به هیچ عنوان مصالحه و توافق از خود نشان ندهند، به طوری که در هیچ راه و روش دیپلماتیک به شکست انجامد. افکار عمومی جهان باستانی احساس را به دست میارزند که غرب آن چه در ترازو داشته باشد این احساس را به دست همواره عادلانه رفتار کرده است، به این وجود ایران توانمند بین المللی را تقویت کرده و خرابکاران سلاح اتمی است. به نظر من آمریکایی ها این جور راستکاران به وجود آورده اند و اروپایی ها در این بازی نقش ...

احقق های مفید و بی آزار؟ بله، احقق های مفید و بی آزار که در این مورد آنها نقش خود را اصلی و اساسی می دانند. این غم انگیز است که شاهد بیان خیزش اخیر نامشخصیت ملی افغانی ما در این روزهای امر خرابه آلمان و انگلستان باشیم. ژرژیدی در این است که جامعه اروپا تا حد ایزاکر آمریکایی ها نماند، بدون آن که خود متوجه این موضوع باشند.

آیا این هم توضیحی بر این واقعیت است که جامعه اروپا آشکارا به طرز عجیبی برای ارجاع پرونده اتمی ایران به شورای امنیت تصمیم گرفته و آن را توسط سولانا نمایند وژو این جامعه به اطلاع رسانده است؟

من برای این موضوع چیزی اروپا در علت و نظر می گویم: با این که اروپا این تصمیم است پرونده کار و تمام و کمال به دست آمریکایی ها سپارند، چرا که به سوردگی خود در امور مربوط به خاورمیانه و مسئله ایران واقف است. چرا اروپا در برابر تهران، بدون آن که خود چیزی برای پیشبرد مذاکرات در دست داشته

روزنامه فنیکی فریادگ (آلمان) در ۲۰ ژوئیه ۲۰۰۶ با محسن سمرت کارشناس انرژی و خاورمیانه در مورد نواح امنیتی ایران و دیپلماسی اروپا در خدمت درگیری نظامی آمریکا مصاحبه ای انجام داده است که با ترجمه احمد احتضری در می آید.

کمیروهای سه گانه اروپا اعلام کرده اند که مذاکرات امنیتی با تهران به بن بست رسیده است، شما دلیل برای آن سراغ داشته اند؟ بله، برای این که آنها غرضشان بن بست رسیده اند. از دو سال قبل تا امروز کشورهایی سه گانه اروپایی نتوانستند پیشنهادی برای توافق و جلب نظر طرف مقابل خود ارائه دهند و مطالبات ایران را برای دستیابی به تقسیم های امنیتی جدی بگیرند. مشخص بود که اگر این سه کشور بر سر مواضع سرسختانه و سانس پابندی خود که با حقوق بین المللی ملت ها سازگار نیست، بلکه تنها از انگیزه های یک جانبه سیاسی مشتاق گرفته اند، باقی بمانند، این مذاکرات زمانی به شکست می انجامد و به صورت هم این اتفاق افتاد.

آیا اصولاً درست بود که دو کشور از طرف های مذاکره اروپایی به یعنی فرانسه و بریتانیا کبیر که خود از قدرتهای اتمی به حساب می آیند. وارد مذاکرات شوند؟ این امر تنها در صورتی می توانست درست باشد که طرف اروپایی از صدای واقعی تمام هم و غم خود در برابر تنش زدایی و خلع سلاح، هم در منطقه خاورمیانه و هم در اروپا - البته با در نظر گرفتن روابط خود با این منطقه - به کار می گرفت. مذاکراتی بزرگوارند چنین شرایطی مشروط به این بود که ایران از فنی سازی اورانیوم هر نوع امکانی برای تولید سلاح های اتمی چشم پوشی کند و اروپا چشم اندازی برای برداشتن گام های در راه خلع سلاح اتمی خود ایجاد کند، و پیش از این برای توانایی های اتمی اسرائیل استثنائی قائل نشود. با چنین اقدامی می توانست اروپا از یک شانس تاریخی برخوردار شود تا اینکه و آغازگر روند خلع سلاح اروپا آسیایی شود، چیزی که در خدمت ایجاد جهانی چندبندی و پلرالیست قرار می گرفت. زادخاندان های اسرائیل نیز قدرت های اروپایی در هر حال می مصروف و از کار افتاده اند، چرا که دیگر کارکرد نظامی ندارند.

مگر است این طرحی باشد خیلی هم قابل احترام، ولی آیا کاملاً غیر واقعی نیست؟ همیشه فرضی بود که با خلع سلاح سر و کار داشته باشد، به نظر غیر واقعی می رسد. با این وجود امکانی عملی برای آن موجود می باشد. اگر اسرائیل حاضر در سازش و توافق باشد، می توان ایران را به صرف نظر کردن از کسب سلاح های هسته ای قانع کرد. چنین امری در اروپا نیز تواند به پیش ببرد بشرط آن که اولاً امنیت اسرائیل تضمین شود و ثانیاً اروپا خود تصمیم بگیرد که سلاح های اتمی خود را کنار بگذارد. در چنین شرایط آغاز خلع سلاح می تواند به واقعیت تبدیل شود.

این منطق سفاکی برای پرزیدنت حامی به همان میزان صادق بود که برای پرزیدنت احمدی نژاد. درست است، منتها در این موقعیت که اروپایی ها چیزی بر طیف علائق امنیتی ایران برای عرضه ندارند، احمدی نژاد خود را ملزم می بیند دست به اقدامی عملی بزند.

„Europäern fehlt ein Konzept“

Nahost-Experte Mohssen Massarrat sieht in einer atomwaffenfreien Zone in der Region Ansatz für Konfliktlösung

Leipzig/Osnabrück. Die Europäer haben im Atomkonflikt mit dem Iran politisch versagt. Das meint Mohssen Massarrat. Der profunde Iran-Kenner lehrt als Dozent an der Universität Osnabrück mit den Schwerpunkten Mittlerer/Naher Osten und Energie.

Frage: Im Streit um das Atomprogramm Irans will der Westen den UN-Sicherheitsrat einschalten. Heißt das, inzwischen sind alle anderen Lösungsmöglichkeiten erschöpft?

Mohssen Massarrat: Nein. Echte Lösungsmöglichkeiten sind noch gar nicht in Erwägung gezogen worden. Dazu hätten die Europäer, die ja einen diplomatischen Weg beschreiten wollten, das eigentliche Problem – die iranischen Bedrohungsängste – ernst nehmen müssen. Ein diesbezügliches Signal, wie zum Beispiel eine Debatte über die Schaffung einer kernwaffenfreien Zone wäre mit Sicherheit entsprechend honoriert worden.

Welche Befürchtung hat denn der Iran?

Das Land befindet sich in einer militärischen Einkreisung. Nachbarländer wie

Pakistan und Indien verfügen über Atomwaffen, auch wenn diese für den Iran weniger ins Gewicht fallen. Entscheidender ist die wahrgenommene Bedrohung durch die USA, die durch die Land eine ganze Kette von Militärstützpunkten errichtet haben, sowie die israelischen Atomwaffen. Auch das Beispiel Irak spielt eine Rolle.

Tatsache ist doch aber, dass Israel nie offiziell Iran gedroht hat, während umgekehrt Präsident Ahmadinejad von einer Auslöschung Israels spricht.

Das ist erst einmal richtig, aber nur die halbe Wahrheit. Denn

es geht dabei weniger um verbale Entgleisungen, so inakzeptabel sie auch sind, sondern um objektive Bedrohungs- und objektive Bedrohungs-potenziale. Und objektiv ist es so, dass der Iran für Israel militärisch weder konventionell noch nuklear eine Gefahr dar-



Mohssen Massarrat

INTERVIEW

stellt, jedenfalls bisher nicht, während der potenzielle Gegner in der Region durchaus über dieses Zerstörungspotenzial verfügt. Außerdem hat Israel bereits seit zwei Jahren – also bevor der Streit eskaliert ist – mit Militärschlägen gegen den Iran gedroht.

Mehrere Geheimdienstquellen behaupten, Teheran stünde kurz vor dem Besitz der Atombombe. Welche Beweise gibt es dafür?

Man muss diese lancierten Informationen in das Gesamtkonzept des Umgangs mit dem Iran einordnen. Wie beweiskräftig die sind, sei dahin gestellt. Bemerkenswert ist, dass die CIA vor zwei Monaten in einer Expertise festgestellt hat, dass der Iran frühestens in fünf, vielleicht sogar erst in zehn Jahren, technisch in der Lage wäre, Atombomben zu produ-

zieren.

Wenn dem so ist, welches Motiv haben denn dann die Europäer, diesen Konflikt vor den Sicherheitsrat zu bringen?

Sie haben kein Motiv, sondern kein Konzept, um aus dem Dilemma heraus zu führen. Wer von anderen nukleare Zurückhaltung fordert, sollte selbst dazu bereit sein. Der Atomwaffensperrvertrag sieht nämlich die Verpflichtung zur Abrüstung vor. Weder Großbritannien noch Frankreich – siehe die letzte Drohung von Präsident Chirac – können diesbezüglich konstruktive Schritte vorweisen.

Russland und China haben sich bislang gegenüber einer Einschaltung des UN-Sicherheitsrates ablehnend verhalten. Warum jetzt der Kurswechsel?

Beide Staaten haben kein Interesse an einem Krieg, der unter Führung der USA die geostrategischen Gegebenheiten in der Region verändern würde. Sie haben aber auch kein Interesse daran, wegen Iran Opfer von Sanktionen zu werden und damit die wichtigen Märkte in den USA und Europa zu verlieren. Deshalb haben sich Russland und China auf die andere Seite geschlagen.

Interview: Kostas Kipuros